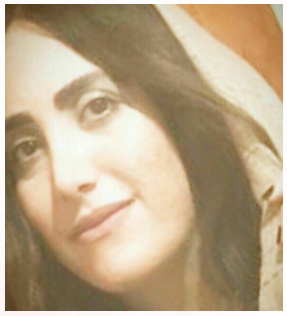


The time
When you grow in me
All the buds woke up!
Stood still for
Dancing and singing

محمود شیربازو

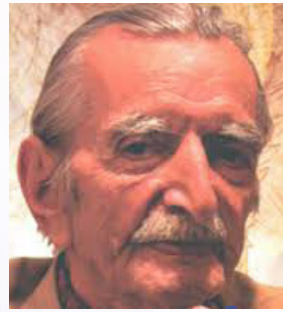
آن زمان ...
که تو در من رویدی
تمام جوانه‌ها
سر از خاک برآوردند
رقصیدند
سرودها خواندند
و ایستادند



سمیه نعمتی



مهناز صفری



عماد خراسانی



سعید قاسمی

باید، چند بهار رد
می‌شد؟
آسمان خالی بود
جهان دروغ بود
دروغ جهان بود
بمیر
بمیر
در لکتت ضربان قلب
هر آدمی
بکوب
سرت را
به درهای بسته
به دیوارهای خفقان
گرفته از درد
که در جدال با
سایه‌ها
هاری گرفته‌اند
بکوب
بکوب
تن زخمی‌ات را
به چموش‌های به آتش
کشیده شده
به قرارهای بی‌قراری،
در فصل‌های بی‌طلوع
در هوای بی‌حوصله
این واژه‌ها.
خون می‌چکد؛
از سقف‌های سق زده
از چنگال شتک‌های
پنجره
که به تکرار
بی‌شرف‌اند
بی‌شرف‌اند
بی‌شرف‌اند
تسلیم شو...
حالا
دستان‌ت را
بالا بگیر
فاتحه به فاتحه
شمرده
شمرده
خالی و پر غرور
بمیرررر...

تاریکی مطلق شده هر جا پی نورم
دنیا همه ارزانی‌تان من کر و کورم
در مرز تنم لشگر غم صف به صف انگار
من رهگذری خسته که در حال عبورم
این کیست که در قاب تنم شکل گرفته؟
تصویری پریشان که به تن وصله جورم
در حجم تب آلود زمین خوش خبری نیست
غم‌ها چو فلاخن شده من سنگ صبورم
دیگر نبود تاب‌وتوان در تن مجروح
آینه شکستان همه تصویر غرورم
بی دوست مرا نام و نشانی به گمان نیست
تردید و سؤالی شدم از مسئله دورم
یک سال دگر رفت و از این عمر هدر شد
امروز به شادی شب میلاد حضورم

ما عاشقیم و خوش‌تر از این کار، کار نیست
یعنی به کارهای دگر اعتبار نیست
دانی بهشت چیست که داریم انتظار؟
جز ماهتاب و باده و آغوش یار نیست
فصل بهار، فصل جنون است و این سه ماه
هر کس که مست نیست یقین هوشیار نیست
سنجیده‌ایم ما، به جز از موی و روی یار
حاصل ز رفت‌وآمد لیل و نهار نیست
خندید صبح بر من و بر انتظار من
زین بیشتر ز خوی توأم انتظار نیست
دیشب لبش چو غنچه تبسم به من نمود
اما چه سود زانکه به یک گل بهار نیست
فرهاد یاد باد که چون داستان او
شیرین حکایتی ز کسی یادگار نیست
ناصح مکن حدیث که صبر اختیار کن
ما را به عشق یار ز خویش اختیار نیست
برخیز دلبر! که در آغوش هم شویم
کان یار یار نیست که اندر کنار نیست
بر ما گذشت نیک و بد، اما تو روزگار
فکری به حال خویش کن این روزگار نیست
بگذر ز صید و این دو سه مه با عماد باش
صیاد من بهار که فصل شکار نیست

خانه‌ام شب تا سحر مملو مهمان بود کاش
روی سفره مهر و لبخند و کمی نان بود کاش
فصل شور عاشقی فصل بهاران آمده
عاشقی با دسته‌گل توی خیابان بود کاش
روزها تاریک و سرد و دل پر از تشویش و آه
این شب یلدای غم هم رو پایان بود کاش
غنچه پژمرده لب‌های فرزندانمان
مثل گل‌های بهاری شاد و خندان بود کاش
ساز ناکوک زمانه جانمان افسرده است
سرزمین خشک دل با ساز باران بود کاش
کاش عطر معجزه از سوی یوسف می‌رسید
مژده‌ای از نور چشم پیر کنعان بود کاش
می‌چکید از هر غزل گل‌واژه‌های ناب عشق
در پس هر واژه لبخندی نمایان بود کاش
غم مخور (یکتا) دوباره فصل شادی می‌رسد
روسیاهی زمستان درس رندان بود کاش

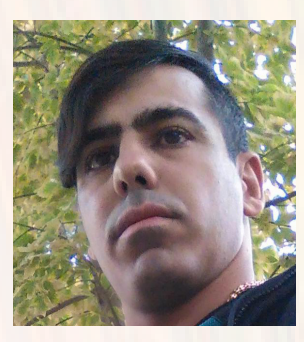


گل غایب محبت
دل اسیره گریه هاته



شاهد شب گریه هاهمه
گل نرگس خیالم
خوش‌تر از فصل بهاره
همه فصلای عمرم
بی تو غرق انتظاره
غربت دلگیره جمعه
از نبودن نگاهه
از پس پرده نگام کن
که غروب انتظارم
منو بی حادثه دریاب
که دیگه طاقت ندارم
در سحرگاه نیایش
یاد تو عطر لبامه
بی تو پرسه‌های ممتد

پژمان احمدی



منتظر داستان و اشعار شما هستیم
لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیربازو

آگهی حصر وراثت
آقای عبدالمحمد همتی به شماره ملی ۲۳۷۱۸۷۳۶۹۱ به استناد شهادتنامه و گواهی فوت و فتوایی شناسنامه ورثه درخواستی به شماره ۴/۹۹/۱۰ تقدیم این شورا نموده و چنین اشعار داشته که شادروان هدایت اله همتی به شماره ملی ۲۳۷۰۲۱۳۴۴۲ در تاریخ ۹۸/۱۱/۱ در اقامتگاه دایمی خود درگذشته و ورثه حین الفوت وی عبارتند از: ۱- مریم نجاسی فرد فرزند رجیبی اله به شماره ملی ۲۳۷۰۴۳۰۰۱۱ - ۲- زوجة متوفی ۲- عبدالمحمد همتی فرزند هدایت اله به شماره ملی ۲۳۷۱۸۷۳۶۹۱ پسر متوفی ۳- سعید همتی فرزند هدایت اله به شماره ملی ۲۳۷۰۴۳۷۶۷۷ پسر متوفی ۴- زیلا همتی فرزند هدایت اله به شماره ملی ۲۳۷۰۳۳۲۶۲۱ دختر متوفی ۵- مهوش همتی فرزند هدایت اله به شماره ملی ۲۳۷۰۳۳۲۶۵۴ دختر متوفی ۶- جمیله همتی فرزند هدایت اله به شماره ملی ۲۳۷۰۲۵۲۳۹۱ دختر متوفی ۷- فاطمه همتی فرزند هدایت اله به شماره ملی ۲۳۷۰۲۵۲۳۹۱ دختر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می‌باشد نشر آگهی به مدت یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد.
۹/۲۰
۱۶م/الف
زمانی بخش - رئیس شعبه چهارم شورای حل اختلاف کازرون

آگهی حصر وراثت
آقای یعقوب جمالی به شماره شناسنامه ۱ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ابراهیم جمالی فرزند غلام به شماره شناسنامه ۳۸ در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۵ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- سکینه چراغی فرزند علی به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۷۶۱۷۴۹ - ۲- محمود جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۸۸۵۲۲۷ - ۳- زهره جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۷۶۲۸۹۳ - ۴- محمد جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۷۶۲۲۹۹ - ۵- فرشته جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۷۶۲۲۹۹ - ۶- یعقوب جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۸۷۰۸۰۷ - ۷- افروز جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۷۶۲۳۶۳ - ۸- اشرف جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۷۶۲۵۰۸ - ۹- اشرف جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۷۶۲۵۰۸ - ۱۰- اشرف جمالی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۵۴۷۹۷۶۲۵۰۸
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی به مدت یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد.
۹/۱۳
۱۷م/الف
شریعت - رئیس شورای حل اختلاف کنار تخته

چشمان تو آینه جادوی پری‌هاست
ای کاش که افسون شوم از آینه گاهی
درمان شده دل با گل لب‌های تو گویا
با بوسه‌ات آمیخته داروی گیاهی
پیش تو هم آرامم وهم رام، هم آزاد
هم کفتر جلدتو وهم کفتر چاهی
لبخند پری گونه تو حادثه‌ساز است
دردانه من از دلم این بار چه خواهی؟!...

میترا داودی نیا

در دایره عشق نگو اول راهی
باید که بیایی، چه بخوایی، چه نخواهی
کفر است بگویم که خدایم شده چشمت
هر چند به اعجاز خدا داده گواهی
از چشم تو کندوی عسل ساخته دنیا
آنقدر که شیرین شدم از نیم‌نگاهی